أحب الله من أحب حسينا

منبر صوتی نوشتاری

امام حسین علیه السلام در قرآن

جلسه ششم



سخنران

حجت الاسلام سید مجید نبوی

بسم الله الرحمن الرحیم

امام حسین علیه السلام در قرآن جلسه ششم

نویسنده:

سید مجید نبوی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امام حسین علیه السلام در قرآن جلسه ششم

مشخصات کتاب

سخنران :

حجت الاسلام و المسلمین حاج سید مجید نبوی

محل سخنرانی :

استان فارس : شهرستان اشکنان حسینیه جماران

موضوع سخنرانی :

امام حسین علیه السلام در قرآن جلسه ششم

چرا اسم ائمه در قرآن نیست ؟

تاریخ سخنرانی :

محرم ۱۴۳۶ سال ۱۳۹۴ شمسی

ایمیل سخنران : nabavi۱۳۵@gmail.com

خطبه

.Your browser does not support the audio tag

اَعوذُ بِالله مِنَ الشیطان الرَّجیم

بسم الله الرَّحمنِ الرَّحیم اَلحَمـدُلله ربّ العالمین بارِءِ الخَلائِق اَجمَعین جامِعِ الناس لِیوم الدین ، ثُمَّ الصَـلاهُ وَ السَـلام عَلی السَـیِّدِ الاَعظَم وَ نَتیجَهِ العالَم اَلعَبدِ المؤیَّد و الرَّسولِ المُسَّدد ، اَلمُصـطَفَی الاَمجَد ، المحمود الاحمد , اَبِی القَاسِمِ المُصـطَفی مُحَمَّد صـلی الله علیهِ وَ آله و سلم و عَلی اهلِ بیتِهِ الاَطهار, الهُداهِ المَهدیین سیما بقیه الله فی الارضین ؛ مهدی هذه الامه و خاتم الائمه الحجه بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه وَ سهلَ الله مَخرَجَهُ وَ ظُهورَه و لَعنَه الله عَلی اعدائهم و منکری فضائلهم ابد الآبدین و دهر الداهرین .



ص: ۱

شعر

Your browser does not support the audio tag.

یا صاحب الزمان

خوشا پروانه های ِگردِ کویَت

خوشا پرپرزنانِ شمعِ کویت

آقا ، چرا دوری زِ تو تقدیرِ ما شد

چرا این غم گریبان گیرِ ما شد

جوانی طی شد و پیری سر آمد

ولی محبوبِ من از در نیامد

یا صاحب الزمان ، یا صاحب الزمان



ص: ۲

آیه ی مورد بحث

.Your browser does not support the audio tag

وُ بَعدُ فَقَد قالَ الحَکیم فی مُحکَمِ کِتابِهِ الکَریم .

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ

بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

صدَقَ اللهِ العَلیِ العَظیم .(۱)

ص: ۳

۱- سوره الرحمن آیات ۱۹ تا ۲۳

اعلام صلوات

.Your browser does not support the audio tag

ایام عزای سید و سالار شهیدان ، حضرت اَبا عبدالله الحسین علیه السلام و سایر شهدای کربلاست ، جهت عرض تسلیت به پیشگاه مقدس و منور فرزند بزرگوارشان ، قطب عالم وجود حضرت بقیه الله الاعظم ، امام زمان ، روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفدا صلواتی ختم فرمایید .



ص: ۴

چرا اسم اهلبیت در قرآن نیامده؟

.Your browser does not support the audio tag

در ادامه بیان آیات قرآنی که در شأن آقا أَبا عبدالله الحسین علیه السلام است ، امشب از سوره ی مبارکه الرحمن که معروف به عروس قرآن است ، آیات ۲۲ ، ۲۳ ،۲۴ و ۲۵ در شأن اهل بیت عصمت و طهارت بخصوص آقا ابا عبدالله الحسین علیه السلام مطالبی را به عرض شما می رسانیم مثل شب های گذشته ، قبل از ورود در آیه قرآن و قبل از بیانِ احادیثی که اهل البیت علیهم السلام در این زمینه بیان فرموده اند ناچاریم از بیان مقدمه ای و آن مقدمه ، با این سؤال شروع می شود که :

چرا اسم اهل بیت علیهم السلام و به خصوص سید الشهداء که این همه عظمت دارند در قرآن کریم به صراحت نیامده است ؟

یکی از سؤالات بسیار مهم که وقتی بیگانگان نیز ، ارادت ما نسبت به اهل بیت علیهم السلام را می بینند همین سؤال را می پرسند . شما که می گویید این خانواده این قدر مهم هستند و عظمت آنها از انبیاء الهی ، بالاتر است ، چرا خداوند در قرآن اسمی از آنها به میان نیاورده است و صراحتاً نگفته است ؟ اینجا جواب های بسیار زیادی برای این سؤال است . که من یادم هست زمانی پیرامون همین سؤال ، حدودِ دوازده جواب بسیار محکم و قانع کننده ای را جمع آوری کرده ام . حالا به مناسبت و خیلی مختصر ، چند تا از این جواب ها را ذکر می کنم تا ذهنمان آماده شود برای استفاده از این آیاتی که تلاوت شد .

ص: ۵

جواب اول

.Your browser does not support the audio tag

اولین جواب آن است که خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم وقتی سخن از قرآن به میان می آید . این چنین می فرماید :

(إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّکْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ) (۱)ما قرآن را که ذکر خداست نازل کردیم و خودِ ما نیز محافظ و نگهبان این قرآن هستیم . و انصافا در بین تمام کتب الهی که نازل گردیده است ، هر کدام ، تحریف شد ، اما قرآن کریم از تحریف در امان ماند .

کتاب تورات را ببینید بیش از هفتاد نسخه وجود دارد که تورات اصلی معلوم نیست کدام یک از اینها است .

کتاب انجیل که مربوط به مسیحیان است ، بیش از هشتاد نسخه تا الان برایش گفته اند که معلوم نیست آن انجیلِ واقعی کجاست و کدام یک از اینهاست . ولیکن با وجود همه اختلافاتی که بعد از پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله در بین امت اسلامی به وجود آمد ، از معجزه ی خودِ قرآن این است که در قرآن دست برده نشده است که آیه ای را بردارند و یا آیه ای را به آن اضافه کنند و یا یک نسخه ی دیگری که مثلاـ ما ندانیم قرآن واقعی در بین قرآن ها کدام است . نه . یک قرآن بیشتر نبوده و نیست و طبق وعده الهی نخواهد بود . این معجزه ی قرآن است . چرا ؟ از نظر تحریف ، البته شیعه حرفی دارد که قرآن ، آیاتش کم و زیاد نشده است اما جا به جا شده است . که در این جا به جایی ها ، خیلی اتفاقات افتاده است ولیکن دست به ترکیب اصلی قرآن نخورده است . این اعتقاد اصلی شیعه است .

خدایی که این قرآن کریم را وعده اش داد و حفظش خواهد کرد و حفظ کرد . خودِ این خدا می دانست که امیرالمؤمنین علیه السلام در بین مسلمانان چه قدر دشمن دارد . شمشیر امیرالمؤمنین علیه السلام بود و پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله . این شمشیر امیرالمؤمنین علیه السلام هر متجاوزی را سر جای خود می نشاند . اینها عقده و کینه شد در دل این عرب ها ، آنچنان کینه از امیرالمؤمنین علیه السلام به دل گرفتند . که ما در دعای شریفه ندبه صبح جمعه می خوانیم :

(فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقَادا بَدْرِیَّهً وَ خَیْبَرِیَّهً وَ حُنَیْنِیَّهً وَ غَیْرَهُنَّ) دلهایشان حِقد و کینه دارد نسبت به علی علیه السلام بخاطر جنگ بدر و احد و حنین و خیبر و جنگ های دیگر ، تا پیغمبر بود آنها نمی توانستند بلایی بر سر امیرالمؤمنین علیه السلام بیاورند . حتی در غدیر خم که

چندین بار به پیغمبرش فرمود :

(یـا أَیُّهـا الرسول بَلِّغ ما اُنزِل إلَیک مِن رَبِّک) (۲)بگو به این مردم که مـا علی را می خواهیم جانشـین پیغمبر قرار بـدهیم . ولی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تعلل می ورزید خدا تهدید کرد

(وإن لَم تَفعَل فما بَلَّغتَ رَسالَته) ای پیغمبر ، دیگر به غدیر رسـیدیم ، اگر اینجا هم چیزی نگویی ، مطمئن باش و یقین بدان که اصـلا و ابدا بیست و سه سال زحمت کشیدی انگار کاری انجام نداده ای . ما دنبال نماز و روزه و حج و زکات خمس نبودیم . اینها همه مقدمه ای برای علی بود . اگر علی را معرفی نکنی مثـل این است که هیـچ چیز را معرفی نکردی . بعـد فرمود : ای پیغمبر اگر از صـفات منافقینی که در لابه لای مسـلمین هسـتند و کینه امیرالمؤمنین را دردل دارند می ترسی (واللهُ یَعصِمُکَ منَ الناس) نترس ، خدا تو را حفظ می کند . خدا علی را حفظ می کند و حفظ کرد .

ص: ۶

۱- سوره حجر آیه ۹

۲- آیه ۶۷ سوره مائده

وصیت امیر المومنین علیه السلام

Your browser does not support the audio tag.

این قَدَر دشمن امیرالمؤمنین علیه السلام بودند که بحث مفصل هست . همین قدر برایتان بگویم که این قدر امیرالمؤمنین علیه السلام ، حسود و دشـمن داشت ، علاوه بر آن بلاهایی که در طول عمر به سـر مولا آوردند ، آخرِ کار امیرالمؤمنین وصـیت می کند : حسنم ، حسینم ، بابا ، وقتی من از دنیا رفتم چند تا تابوت برای من درست کنید ، یکی را به سـمت مدینه ، یکی را به سـمت شام ، یکی را به سـمت یمن و جاهای مختلف ببرید (۱). نیمه ی شب هم ، بدنم را غسل بدهید و درون تابوت بگذارید و به نجف ببرید . شـبانه باشد که کسی غیر از شما هم خبر نداشـته باشد . شـما هم جلوی تابوت را رها کنید ، جلوی تابوت را جبرئیل و میکائیل و ملائکه مقرب می گیرند . شما طرف دیگر تابوت را بگیرید . هر جایی که سرِ تابوت پایین آمد شما ته آن را پایین بگذارید . همان جا قبر من است .

شبانه علی علیه السلام را دفن می کنند(۲) . چرا ؟ چون دشـمنانی دارد امیر المؤمنین علیه السلام که به جسد او هم رحم نمی کنند . حتی در تاریخ نوشته است ، بروید بخوانید دو تا از این تابوت هایی که به سوی مدینه و شام می رفت اینها را در راه گرفتند و آتش زدند . گمان می کردنـد امیرالمؤمنین داخـل این تابوت ها است . یعنی تا این حـد کینه داشـتند . بچه ها آمدنـد امیرالمؤمنین علیه السـلام را دفن کردنـد ، قبر امیرالمؤمنین علیه السـلام تا زمان هارون الرشـید مخفی بود . بیش از صد و چهل سال کسـی نداند قبر علی علیه السـلام کجاست . ؟ چرا این قـدر طول کشـید ؟ خـدا گـذاشت تـا تمـام آنهـایی که کینه داشـتند ، بچه هایشـان ، نوه هایشـان همه به درک واصل بشونـد و کسـی به قبر امیرالمؤمنین علیه السلام جسارت نکند .

بعد زمان هارون نوشته اند . بروید تاریخ مربوط به نجف اشرف را بخوانید (۳).

چه طور نجف ، نجف شد ؟

هـارون الرشـید آمدنـد سوار بر اسب ، تیر و کمـان را برداشـته که به شـکار برود . آهوانی را تعقیب می کنـد و سگ های شـکاری همراه او بودنـد یک مرتبه دیـد آهوان بر بالای بلندی رفتند . سگ ها دیگر جلو نیامدند . تعجب کرد . هارون گفت : حتما خبری هست . سگ های

شکاری که تا اینجا آهوان را تعقیب می کردند ، اینجا ایستاده اند و پارس می کنند و جلوتر از این نمی روند . خبری باید باشد . آهوان هم رفتند و به آنجا پناه برده اند . قصه چیست ؟ بادیه نشین ها را جمع کردند . گفتند ما هم خبر نداشتیم . مدت ها پیش امام صادق علیه السلام بر بالای این بلندی آمد و دورکعت نماز خواند و به ما فرمود : مردم ، قبر جدمان امیرالمؤمنین علیه السلام اینجاست . هارون وقتی این را شنید دستور داد بقعه و بارگاه و ضریح بسازند . این تشکیلات از آن زمان شروع شد .

(۴)

خدا از یک طرف می فرماید : قرآن را نازل کردیم و خودمان از آن محافظت می کنیم . از یک طرف می داند امیرالمؤمنین علیه السلام چه دشمنانی دارد . آن وقت عاقلانه است که اسم امیرالمؤمنین را در قرآن بگذارد که قرآن را باقی نگذارند؟ .

یک نمونه برایتان بگویم . شیعه و سنی در روایات خود دارند که مستحب است وقتی شما قرآن کریم را تلاوت کردید ، بگویید : صدق الله العلی العظیم . یعنی راست گفت خدای علی ، علی یعنی : بلند مرتبه و عظیم یعنی : با عظمت . خوب چکار به حضرت علی علیه السلام دارد . خدای علی و عظیم . اما چون این علی شبیه هست به اسم امیرالمؤمنین علیه السلام اینها آمدند از داخل این کلمه مستحبی اسم علی را برداشتند . الان می گویند : صدق الله العظیم . دیگه تمام شد و رفت . اینها دیگر قرآن را باقی نمی گذاشتند؟ . این یکی از پاسخ های شیعه است .

خدا می دانست نام علی و اولاد علی در قرآن بیاید فاتحه قرآن خوانده شده است . لذا خداوند اسم اهل بیت را در قرآن آورده است اما نه به این صراحت .

۱- امام صادق (علیه السلام) می فرماید: ان أمیر المؤمنین (علیه السلام) أمر ابنه الحسن بن علی ان یحفر له أربع قبور فی أربع مواضع: فی المسجد و فی الرحبه و فی الغری و فی دار جعده ابن هبیره و إنما أراد بهذا أن لا یعلم أحد من أعدائه موضع قبره. وقتی امیرالمومنین (علیه السلام) از دنیا رفت، به فرزندش امام حسن (علیه السلام) دستور داد که در ۴ جا برای او قبر درست کنند. همانگونه که برای مادرش حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در قبرستان بقیع، چندین قبر درست کردند. در مسجد کوفه، در رحبه (۷ کیلومتری بیرون کوفه) ، در نجف و در خانه جعده فرزند هبیره. بخاطر اینکه دشمنان حضرت علی (علیه السلام) نفهمند قبر او کجاست. بحار الانوار، ج۴۲، ص۲۱۴ – فرحه الغری، ص۳۲ در روایتی از امام جواد (علیه السلام) سوال کردند: یابن رسول الله ! چرا قبر جدتان تا زمان امام صادق (علیه السلام) مخفی بوده است؟ فرمود: از ترس دشمنان و خوارج که اینها بروند جنازه حضرت علی (علیه السلام) را از قبر در بیاورند و آتش بزنند. به خاطر همین قبر جدم مدت ها مخفی بود.

۲- بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۲۹۰، و مفید، الارشاد، ص ۲۶، فصل ۶، باب ۲ حدیث را با کمی تفاوت نقل کرده است.

۳- شیخ مفید در کتاب «الارشاد» خویش این گونه آورده است که: قبر آن حضرت علیه السلام بنا به وصیتی که کرده بود، مخفی ماند تا زوال دولت بنی امیه که دشمنی و کینه ورزی شدیدی نسبت به آن حضرت علیه السلام داشتند و چون قدرت به دست بنی عباس افتاد، در زمان امامت امام صادق علیه السلام توسط آن حضرت قبر مطهر جد بزرگوارش آشکار شد و امام صادق علیه السلام چون به پیش ابوجعفر منصور دوانقی (متوفی ۱۵۸ هجری) دومین خلیفه عباسی می رفت، قبر جد بزرگوارش را زیارت کرد و آشکار نمود از آن به بعد شیعیان چون متوجه این امر شدند، به زیارت قبر مطهر حضرت علی علیه السلام شتافتند. شیخ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، مؤسسه آل البیت للحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۳ق، ج۱، ص۱۰.

۴- آشکار شدن مرقد مطهر حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) روزی هارون الرشید در نجف به صحرای نیزاری به شکار رفت. تازی ها و

فهـدها (سـگ و یوزپلنـگ شـکاری) آهوان را تعقیب می کردنـد و آهوان به بالای تل نجف) نجف در لغت به معنای تل خاک و پشـته ای است که آب به آن نرسـد. (پنـاه می بردنـد، تـازی ها هم از آن تل بالا نمی رفتنـد. این عمل چنـد بار تکرار شـد و همین که تازی ها عقب نشـینی می کردند آهوان پایین می آمدند. همین که دوباره آهوان را تعقیب می کردند دوباره به بالای تل خاک پناه می بردند و تازی ها از تعقیب آن ها باز می ایسـتادند. خلیفه هارون الرشید دریافت که باید در این مکان، سرّی نهفته باشد که آهوان بدانجا پناه می برند و تازی ها از آن بالا نمی رونـد. پیرمردی از اهالی آنجا را احضار کرد و راز آن را از پیرمرد جویا شـد. پیرمرد گفت: برای گفتن سـرّ این تل خاک، از شما امان می خواهم و خلیفه نیز امانش داد. سـپس پیر مرد گفت: با پـدرم به اینجا آمـدم و پـدرم در این مکان زیارت نامه می خواند و نماز می گـذارد. از پدرم سؤال کردم که زیارت خواندن در اینجا چه مناسبتی دارد؟ پاسخ داد: با حضـرت امام جعفر صادق (علیه السـلام) برای زیارت به اینجا می آمدم و ایشان فرمود: اینجا قبر جدش علی بن ابی طالب (علیه السلام) است که به زودی آشکار خواهد شد. خلیفه دستور حفر این محل را داد تا به علامت قبری رسیدند و لوحی در آنجا پیدا شد که بر روی آن با خط سریانی دو سطر نقش بسته بود که ترجمه آن چنین است: «این قبری است که نوح پیغمبر آن را برای علی (علیه السلام) وصی محمد (صلی الله علیه وآله) قبل از طوفان به هفتصد سال حفر نمود. «بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ، هـذا قبرٌ حفره نوح لعلیّ بن أبی طالب وصـیّ محمّـد (صـلی الله علیه وآله) قبل الطوفان بسـبع مائه سـنه» الغـارات، ج ۲، ص۸۴۶ ; بحـار الانوار، ج ۴۲، صص۲۱۶ و ۲۳۶ هـارون ادای احـترام نمـود و دسـتور داد خـاک هـا را به جـای اول خود برگرداننـد. سپس پیاده شـد، پس از وضو گرفتن دو رکعت نماز خوانـد و با حالتی گریان، خود را به خاک و تربت آن حضـرت غلطانیـد. آنگاه هارون نامه ای به امام موسی کاظم (علیه السلام) در مدینه نوشت و صحت این مطلب را از امام موسی (علیه السلام) سؤال کرد. ایشان آن محل را به عنوان قبر جـدش علی بن ابی طالب (علیه السـلام) تأیید کرد. سـپس به دسـتور هارون، سـنگ بنایی بر آن قبر نهاده شد که به «تحجیر هارونی» معروف شـد. مرقـد مطهر امیرالمؤمنین در زمان امام صادق (علیه السـلام) برای خواص شـیعیان به علت زیارت آن حضـرت معلوم شـد و در زمان هارون برای همه مکشوف گردیـد. ممکن است مصالـح دیگری در نظر آن بزرگوار بوده که در نظر ما پنهان باشد. از آنجمله به دلیل ارادت شدید دوسـتان و شـیعیان آن حضـرت با آشـکار بودن مرقد مبارک، شـیعیان برای زیارت به بارگاه ملکوتی حضـرت مشـرّف می شدند و باعث شـناسایی ارادتمندان حضرت می شد و واقعه شهادت حجر بن عدی و میثم تمّار برای دیگران تکرار می شد و لذا مخفی بودن مرقـد مبـارک در دوران بنی امیّه و اوائل دوران بنی عباس ممکن است باعث حفظ جان بسـیاری از شـیعیان شـده باشـد. لازم به ذکر است قبلاً هم ابی حمزه ثمالی توسط امام زین العابـدین (علیه السـلام) از محل قبر آگاه شـده بود ،مفاتیـح الجنان دو صـفحه قبل از باب زیارت وداع امیرالمومنین (علیه السلام (امام حسین) علیه السلام (هم قبلا آن را به بعضی از خواص نشان داده بودند، کامل الزیارات باب ۹، ج۲

جواب دوم

.Your browser does not support the audio tag

گفتم دوازده جواب است . جواب دوم را بشنوید . امام باقر علیه السلام نشسته بودند . یک نفر آمد . این روایت در تفسیر البرهان است و در تفاسیر دیگر نیز است در بحار الانوار علامه مجلسی ، این روایت اسناد مختلفی دارد . گفت : یابن رسول الله اکثر اختلافات این امت به خاطر جانشینان پیغمبر صلی الله علیه و آله است . چرا خداوند اسم شما اهل بیت را به صراحت در قرآن نیاورده است که این قدر اختلاف در بین امت اسلامی نیفتد ؟ (۱)

حضرت فرمودند : خداوند تبارک و تعالی کلیات را در قرآن کریم بیان می کند و جزئیات آن را به پیغمبرش واگذار می کند .

به مردم فرمود : (وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا) (۲) آنچه پیامبر به شما می گوید بگیرید و آنچه شما را نهی می کند رها کنید . به حرف پیامبر گوش بدهید .

بعـد چند مثال زد و فرمود : به طور کلی خدا در قرآن فرموده است : مسـلمانها نماز بخوانید اما نفرموده که نماز صبـح دو رکعت ، نماز ظهر چهـار رکعت ، عصـر چهـار رکعت ، مغرب سه رکعت و عشاء چهار رکعت است و در سـفر ، نماز های چهار رکعتی ، دو رکعت بخوانیـد . خـدا در قرآن نگفته است . اینها را همه حواله داده است به پیغمبرش . اگر می خواهیـد بفهمیـد چطور نماز ها خوانـده می شود بروید سـراغ پیغمبر و بپرسید به شما جواب می دهد .

بعـد پیغمبر مثال دومی زد و فرمود : خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم فرمود : (وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا) (۳) اگر واجب الحـج شـدی برو مکه . اما حالا چنـد بار طواف خانه خدا کنم ؟ و چند بار سـعی صـفا و مروه ، در قرآن نیامده است کجا قربانی کنم؟ ، سـنگ بزنم ، اینها هیچ کدام در قرآن نیامده است . مسـلمانان طبق فرموده قرآن پیش پیغمبر صـلی الله علیه و آله رفتند ، یا رسول الله قرآن گفته است حج به جا بیاورید ما چه طور حج را به جا بیاوریم ؟ پیامبر صلی الله علیه و آله یادشان می داد .

این دو مثال زد و امام باقر علیه السـلام فرمود اما جواب تو که می گویی چرا اسم ما اهل بیت در قرآن نیامده است ، خداوند تبارک و تعالی به طور کلی در قرآنش فرمـود : (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) (۴)ای مردم ، ای مؤمنـان ، ای مسـلمانها ، شـما بایـد از سه کس اطاعت کنیـد . یک : خـدا ، دو : رسول خـدا ، سه : اولی الامر ، خـدا که معلوم است ، رسول خـدا هم که معلوم است ، برای مسـلمانها سؤال پیش می آیـد که این اولی الامر چه کسانی هسـتند ؟ همانطور که برای نماز و حج و بقیه احکام در قرآن چیزی ننوشـته است و بایـد پیش پیغمبر اکرم صـلی الله علیه و آله بروی ، اینجا باید بروی پیش پیغمبر صـلی الله علیه و آله ، یا رسول الله ، من اولی الامـر ؟ چه کسـانی اولی الامر هسـتند ؟ که پیغمبر اکرم صـلی الله علیه و آله ، بارها و بارها که از جمله حافظِ قُنـدوزیِ سـنی در کتاب یَنـابیعُ الموده ، آورده است (۵): (و امَّا الائمَّه من بعـدِی عدَّه العُیونِ الَّتی تَنفَجِرَت لِموسـی حین بعصاه الحَجَرَ فَانفَجَرَت منه اثنتا عشـر عینا قَد عِلِم کل اُناسٍ مَشـرَبَهُم کلوا واشرَبوا من رزقِ الله و لا تعثوا فی الارض مفسدین) (۶)یا رسول الله جانشینان شما چند نفر هستند ؟ پیغمبر اکرم فرمود : تعـداد جانشـینان من به تعـداد آن چشـمه هایی است که وقتی موسـی عصایش را به سـنگ زد ، قرآن می فرمایـد : دوازده چشـمه از زیرسـنگ جاری شد . جانشـینان من دوازده تاست . اول علی علیه السـلام ، دوم حسن علیه السـلام ، سوم حسین علیه السلام اشاره می کند و اسم می برد تا نام امام زمان علیه السلام و اشاره می کند به غیبت طولانی امام زمان علیه السلام . دیگر پیغمبر چگونه برای این امت بگوید .

پس اسم اهل بیت علیه السلام اگر در قرآن به صراحت نیامده است ، امام باقر علیه السلام اینجوری پاسخشان را داد .

ص: ۸

۱- ثقه الاسـلام کلینی رضوان الله علیه در کتاب شـریف کافی روایت صحیح السندی از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که حضرت در شـان نزول آیه ولایت، آیه اکمال، آیه ابلاغ، و آیه اولی الامر چنین می فرماینـد: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ وَ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ وَ بُكَيْرِ بْنِ أَعْيَنَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ وَ أَبِي الْجَارُودِ جَمِيعاً عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ رَسُولَهُ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِ- إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَ فَرَضَ وَلَايَةَ أُولِي الْأَمْرِ فَلَمْ يَدْرُوا مَا هِيَ فَأَمَرَ اللَّهُ مُحَمَّداً ص أَنْ يُفَسِّرَ لَهُمُ الْوَلَايَةَ كَمَا فَسَّرَ لَهُمُ الصَّلَاةَ وَ الزَّكَاةَ وَ الصَّوْمَ وَ الْحَجَّ فَلَمَّا أَتَاهُ ذَلِكَ مِنَ اللَّهِ ضَاقَ بِذَلِكَ صَدْرُ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ تَخَوَّفَ أَنْ يَرْتَدُّوا عَنْ دِينِهِمْ وَ أَنْ يُكَذِّبُوهُ فَضَاقَ صَدْرُهُ وَ رَاجَعَ رَبَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ- يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ فَصَدَعَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ فَقَامَ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ ع يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ فَنَادَى الصَّلَاةَ جَامِعَةً وَ أَمَرَ النَّاسَ أَنْ يُبَلِّغَ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ قَالَ عُمَرُ بْنُ أُذَيْنَةَ قَالُوا جَمِيعاً غَيْرَ أَبِي الْجَارُودِ وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع وَ كَانَتِ الْفَرِيضَةُ تَنْزِلُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ الْأُخْرَى وَ كَانَتِ الْوَلَايَةُ آخِرَ الْفَرَائِضِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَا أُنْزِلُ عَلَيْكُمْ بَعْدَ هَذِهِ فَرِيضَةً قَدْ أَكْمَلْتُ لَكُمُ الْفَرَائِضَ عمر بن اذینه از زراره و فضـیل بن یسار و بکیر بن اعین و محمد بن مسلم و برید بن معاویه و ابی الجارود همه از امام باقر علیه السـلام نقل کرده اند که آن حضـرت فرمود: خداوند عزوجل به رسول خود دستور داد به

ولایت علی علیه السلام و به پیامبرش نازل کرد: «همانا ولی شما خدا است و رسولش و آنان که گرویدند و نماز را برپا داشتند و زکاه را پرداختند در حالی که رکوع کنند» و خدا ولایت اولو الامر را واجب کرد و ندانستند اولو الامر کیست و ولایت چیست؟ خدا به رسول خود دستور داد برای آن ها شرح دهد ولایت را، چنانچه نماز و زکاه و روزه و حج را شرح کرده بود، هنگامی که این دستور از طرف خدا برایش آمد دلش طپید و ترسید که مردم از دین برگردند و او را تکذیب کنند و دل تنگ شد و به خدا عز و جل رجوع کرد، خدا به او وحی کرد: «ای رسول من تبلیغ کن آنچه را به تو نازل شده از پروردگارت اگر نکنی تبلیغ رسالت او نکردی، خدا تو را از مردم حفظ می کند» و رسول خداصلی الله علیه و آله امر خدای تعالی را اعلام کرد و در روز غدیر خم قیام کرد برای انجام ولایت علی علیه السلام و جار نماز دسته جمعی کشید و به مردم دستور داد تا حاضران به غائبان برسانند. عمر بن اذینه گفته: همه راویان به غیر از ابو الجارود (در اینجا) گفتند: امام باقر علیه السلام فرمود: هر فریضه پس از فریضه دیگر نازل می شد و ولایت آخر فرائض بود و خدا عز و جل در باره آن نازل کرد: «امروز دین شما را کامل کردم، و نعمتم را بر شما تمام کردم» امام باقر علیه السلام فرمود: خدا عز و جل می فرماید: دیگر بعد از این بر شما فریضه نازل نکنم، من فرائض شما را کامل کردم اصول الکافی.ج۱ ص۲۱۰.ط دار المرتضی

۲- سوره حشر آیه ۷

۳- آل عمران/سوره۳، آیه۹۷.

۴- سورهٔ نساء-آیه ۵۹

۵- حافظ سلیمان قندوزی از جابر بن یزید جعفی نقل کرده می گوید: شنیدم جابر بن عبداللّٰه انصاری می گفت: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به من فرمود: یا جابرُ! اِنَّ اَوْصِیائِی وَاَئمّهَ الْمُسْلِمِینَ مِنْ بَعْدِی اَوَّلُهُمْ عَلِیٌّ، ثُمَّ الْحَسَنُ، ثُمَّ الْحُسَیْنُ، ثُمَّ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیّ؛ اَلْمَعْرُوفُ بِالْباقِرِ سَیُدْرِکُهُ یاجابِرُ فَاِذا لَقِیتَهُ فَاقْرَئهُ مِنّی السَّلامَ، ثُمَّ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ مُوسیَ بْنُ جَعْفَرٍ، ثُمَّ عَلِیُّ بْنُ مُوسی ، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ، ثُمَّ عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ، ثُمَّ الْقائِمُ، اِسْمُهُ اِسْمِی وَ کُنْیَتُهُ کُنْیَتِی اِبْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ، ذاکَ الّذِی یَفْتَحُ اللّٰهُ عَلی یَدَیْهِ مَشارِقَ الاَرْضِ وَ مَغارِبَها ذَاکَ الّذِی یَغِیبُ عَنْ اَوْلِیائِهِ غَیْبَهً لا یَثْبُتُ عَلَی الْقَوْلِ بِاِمامَتِهِ اِلّا مَنِ امْتَحَنَ اللّٰهُ قَلْبَهُ لِلاِیمانِ (۷۷) یعنی : «ای جابر! اوصیای من و امامان مسلمین بعد از من، اوّل آنان علی بن ابی طالب است، بعد از او حسن، بعد از او حسین، بعد از او علی بن حسین، بعد از او محمد بن علی، معروف به باقر، ای جابر! تو او را درک خواهی کرد و چون به خدمتش رسیدی، سلام مرا به او برسان، بعد از او جعفر بن محمد، بعد از او موسی بن جعفر، بعد از او علی بن موسی، بعد از او محمد بن علی، بعد از او علی بن محمد، بعد از او حسن بن علی، بعد از او قائم آل محمَّد که نامش نام من و کنیه اش کنیه من است پسر حسن بن علی، او همان است که خدا به دست وی، شرق و غرب زمین را فتح می کند، او همان است که از دوستان خویش مدت زیادی غایب می شود تا حدی که در اعتقاد به امامت او باقی نمی ماند مگر آنانکه خداوند قلوبشان را با ایمان امتحان کرده است». جابر می گوید: «گفتم یا رسول اللّٰه! آیا مردم در زمان غیبت از وجود وی منتفع می شوند؟ فرمود: آری به خدایی که مرا به حق فرستاده، مردم در زمان غیبت از نور ولایتش روشنایی می گیرند چنانکه مردم از آفتاب بهره می برند با آنکه زیر ابرهاست. ای جابر! اینکه گفتم از مکنونات سرّ خداست و از علم مخزون پروردگار می باشد، آن را اظهار مکن مگر به کسی که اهلیّت دارد». ینابیع المودّه، باب ۹۴، ص ۴۹۴.

۶- ینابیع الموده، ص۴۹۳.

جواب سوم

Your browser does not support the audio tag.

سومین پاسخ که مربوط به تفسیر این آیه می شود . قرآن یک ظاهر و یک باطن دارد . امام صادق علیه السلام می فرماید : بعضی از آیات قرآن هست که هفتاد بطن دارد .(۱)

یعنی چه ؟ علما این گونه مثال می زنند : می گویند یک بادام ، بر روی درخت می بینید که پوست کلفت و سبزی دارد . این را از درخت

می چینیم . پوست سبز آن را بر می داریم یک پوست قهوه ای محکمی دارد ، با یک چیز محکمی می زنیم و می شکنیم به یک مغز می رسیم . ببینید ، پوست قهوه ای لایه نازکی روی آن است با ناخن این پوست نازک را که بر می دارید به یک مغز سفید می رسیم . مغز سفید را زیر ناخن فشار می دهید روغن از آن بیرون می آید و روی ناخن شما می ریزد آن وقت که این بادام روی درخت بود ، شما که این روغن و مغز را نمی دیدید . این پوست ها را کنار زدید و هرچه جلوتر رفتی به یک چیز قیمتی تر رسیدید بِلا تشبیه آیات قرآن نیز این چنین است . ظاهری دارد ، باطنی دارد . باطنش ، باطنی دیگر،

اینجا خداوند تبارک و تعالی بر اساس حکمت هایش که خیلی حکمت دارد ، آمده است اسم اهل بیت علیه السلام را در قرآن آورده است . اما در لایه های زیرین گذاشته است . باید بروی تفسیر آن را از اهلش بپرسی تا آن اسم ها را برایت بیرون بیاورند . یک سری از آیات قرآن که اسم اهل بیت در آنها درخشش دارد ، (لا یَمَسُّهُ إِلاَّ الْمُطَهَّرُونَ) (۲) فقط آدمهای پاک می توانند دسترسی پیدا کنند . فقط آنهایی که قبول دارند ، ولایتشان درست است . آنهایی که شیعه هستند می توانند اهل بیت را در قرآن ببینند و چشم آنها فقط می تواند ببیند از جمله آیات ۲۲ مبارکه الرحمن است . آنجا که خدای حکیم فرمود :

(مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ) دو تا دریا باهم ملاقات کردند .

(بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ) بین این دو تا دریا حد فاصلی است که این دو دریا به هم طغیان نکنند .

(فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ) کدام یک از مخلوقات خدا را شما تکذیب می کنید .

(يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ) خدا از داخل این دو دریا ، لؤلؤ و مرجان را استخراج می کند .

الله اکبر . این آیه یعنی چه ؟. من آدرس به شما می دهم بروید نگاه کنید . بهترین تفسیری که دم دست هست و تقریبا می شود گفت همه کس فهم است و اگر تفسیر دیگری بود من معرفی می کردم ، این تفسیر نمونه است . بروید ببینید الان هم که به لطف خدا ، حالا ما لطف خدا حساب می کنیم حالا کسی بد استفاده می کند آن بماند . اینترنت و نرم افزار آمده و گوشی همراه آمده و وسیله ها را آسان کرده است . شما به راحتی می توانید سوره الرحمن آیه ۲۲ ، مفسرین هرچه گفتند را در این تفسیر جمع کردند .

بعضی گفته اند این دو دریا ، دریای سرخ و ...

بعضی گفته اند دریایی در آسمان است و زمین این دو با هم ، قرآن به آن اشاره کرده است .

بعضی گفته اند دریایی است زیر زمین با دریای روی زمین . اینها با هم ملاقات نمی کنند .

بعضی گفته اند آب شور است با دریای آب شیرین ، که منظور اقیانوس اطلس و اقیانوس آرام است .

اینها در کنار هم هست که آب شور با آب شیرین مخلوط نمی شود و آب شیرین با آب شور مخلوط نمی شود و خدا می داند در این تفسیر ها چه غوغاهاست و بعد نتیجه گیری : حالا چه خبر است خدا چه می خواهد به این ها بگوید . مفسرین نوعاً می گویند : خداوند می خواهد از عظمت خودش بگوید که ببینید من چه قدرتی دارم که آب شور را در کنار آب شیرین قرار دادم و پی ببر به عظمتِ منِ خدا که لؤلؤ و مرجان را از دل این دریا استخراج می کنم .

۱– جواهر الکلام، ج ۹، ص ۲۹۵.

۲– یعنی، قرآن را مسّ نمی کنـد، مگر «مطهرون» و مقصود از «مس» می توانـد علم به قرآن باشـد. در این صورت «مطهرون» کسانی انـد که قلب آنان از تعلق به غیر حق تعالی پاک گشته است سوره واقعه آیه ۷۹

تفسیر امام صادق علیه السلام

.Your browser does not support the audio tag

اما برویم پای سـخن امام صادق علیه السـلام ، یابن رسول الله حرفهای مفسرین را شنیدیم هر کدام چیزی گفتند ما دلمان می خواهد شما که امـام و پیشوای مـا و رئیس مکتب تشیع هستی برای مـا بفرماییـد خداونـد در این آیـات حرفش بـا ما مسـلمان ها چیست ؟ یعنی در واقع می خواهیم آن لایه ها و پوسته هایی که مثل بادام از روی مغز بادام برداشته می شود . شما برای ما کنار بزنید .

(مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ) یعنی چه ؟ دو دریا با هم ملاقات کردند یعنی چه ؟

امام صادق علیه السـلام می فرمایـد آنقـدر روایاتش زیاد است . آن قدر معروف است . بیشتر کتب تفسـیر از جمله کتاب تفسـیر البرهان این روایت را آورده است . امام صادق علیه السـلام فرمودنـد : دو دریا با هم ملاقات کردند ، یکی از این دریاها ولایت کلیه ، یعنی امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علیه است .

دریای دومی دریای عصمت الله الکبری ، تعبیر می کند به دریایی از نام صدیقه طاهره ، حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها .

دو دریا باهم ملاقات کردند یعنی دو دریا با هم ازدواج کردند . (بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ) بین این دو دریا حد فاصلی است که این دو دریا به هم تنه نزنند . این چیست ؟ امام صادق علیه السلام فرمودند : (بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ) یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله

دست علی و فاطمه را در دست هم می گـذارد ، علی جان ، همسـر خوبی داری قـدرش را بدان و مواظب او باش . فاطمه جان همسـر خوبی داری قدرش را بدان . این دو دریا به هم متصل می شوند . الله اکبر . قربان امام صادق علیه السـلام بروم . در این تفسیر نمونه یک جا روایت دیگری امام صادق علیه السـلام دارد که می فرمایـد اگر می خواهی از امیر المؤمنین تعریفی بشـنوید نمی خواهیـد جایی برویـد . بیاییـد پای صحبت خودِ خـدا بنشـینید که خـدا از امیرالمؤمنین علیه السـلام در قرآن تعریف کرده است وقـتی می فرمایـد : بَحرَین علیٍّ یـک دریـاست . حضـرت زهرا یک دریاست . می خواهـد بفرمایـد که ای مسـلمان ها ، علی دریاست . یک وقت من می گویم علی دریاست ، اما وقتی خدا می فرمایـد شـما چه می فهمیـد شـما ؟ . وقتی خدا بفرماید علی دریاست . مردم ، فاطمه زهرا دریاست . دریای علم ، دریای شـجاعت دریای شفقت و مهربانی ، دریای خوبیها ، همین دریاهایی که من و شـما می بینیم هنوز که هنوز است این همه کشتی ها و این همه زیر دریایی ها ، روزی نیست که گزارش ندهنـد کشـفیات جدیـدی در این دریاها دارد اتفاق می افتـد . غوغایی است . خدا حرفش را زده است . چه کسـی هست که بشنود و تحویل بگیرد .

یابن رسول الله خدا می فرماید : (يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ) از دل این دریا لؤلؤ و مرجان استخراج می شود .

لؤلؤ ، گفته اند آن صدفی است که مروارید را در دل خودش نگه داشته است . لؤلؤ آن مرواریدی است که وسط این صدف است که خیلی قیمت دارد . هرچه بزرگتر باشـد ارزشـش بیشتر است . اینقدر هم کارایی دارد . واقعا هم بیخودی قیمتی نشده است . تا الان چند صد درمان برای مریضـی هـا از همین لؤلؤ ، در دنیـای امروز اسـتخراج کرده انـد . این قـدر این صـدف ، بـا ارزش است که می گوینـد قطره ای در این صدف حبس می شود چند هزار سال باید بگذرد تا تبدیل به مروارید شود . خداوند با عظمتش این را در دریا قرار داده است .

مرجان چیست ؟ باید این فیلم های مستندی است که گاهی تلویزیون پخش می کند حالش را داشته باشی و ببینی وقتی غواص ها وارد دریا می شوند یک جاهایی هست که مرجان ها هستند اول آنها تصور می کردند که اینها یک گیاه هستند . اینقدر موج دریا به آنها می زند یک رقص زیبایی زیر دریا دارند از سفید و سیاه و رنگهای متفاوت که خدا می داند چه قدر زیبا هستند که می گویند گرانترین و مهمترین آنها رنگ قرمز است . و اخیرا پی بردند که اینها گیاه نیستند یک نوع جانور هستند که در ترکیبات استفاده در دارو غوغا کرده است . این قدر دارو از اینها برای درمان انواع و اقسام مریضی ها استفاده کرده اند که حد ندارد . اینها را خداوند در دریا قرار داده است .

از امام صادق علیه السلام پرسیدند : لؤلؤ چیست ؟ مرجان چیست ؟ قال الحسن والحسین علیهما السلام .

لؤلؤ ، امام مجتبی علیه السلام است . مرجان ، امام حسین علیه السلام است که به نام لؤلؤ و مرجان ، خداوند در قرآن استفاده کرده است . حالا کو تا علم پیش برود و ببینند تمام این بیماری های روی زمین توسط همین لؤلؤ و همین مرجان قابل درمان هست . آن وقت خداوند می خواهد با این حرفش به من و شما بفرماید ، مردم اگر مریض هستید اگر دردمند هستید . اگر مشکل دارید . درمان شما وحل مشکل شما به دست امام حسن و امام حسین علیه السلام است . به این ها متوسل بشوید .

خدا حرفهایش را زده است . امام صادق علیه السلام این آیات را ترجمه کرده است . اما گوش شنوا نیست . مردم عالم کجا هستند دارند دنبال چه می گردند . همه را رها کنند به امام حسین علیه السلام متوسل بشوند . خدا تعریف کرده است . حرف زیاد است و وقت کم هست . و الا جلوتر می رفتیم . تا همین جا بس است ما نتیجه را گرفتیم . پس اسم امام حسن علیه السلام ، امام حسین علیه السلام امیرالمؤمنین علیه السلام ، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در قرآن کریم هست اما باید لایه های قرآن کنار برود آن هم توسط مفسرین واقعی قرآن دراین عالم اهل بیت علیه السلام تا معلوم بشود که خداوند کار خود را کرده است اسم اهل بیت علیه السلام را در قرآن آورده است و یک عینک به شیعه داده است که شیعه فقط می تواند این اسماء مقدسه را ببیند و فیض ببرد .

ص: ۱۰

روضه

Your browser does not support the audio tag.

امشب شب ششم از ماه محرم الحرام است و معمولا این چنین رسم است که شیعیان در هر کجای عالم هستند در خانه ی پسر سیزده ساله امام مجتبی علیه السلام یعنی قاسم بن الحسن علیه السلام می روند و ماهم از قافله عقب نمانیم و آنهایی که حاجت دارند ، آنهایی که درد دارند ، آنهایی که مشکل دارند . متوسل بشوند ، این خانواده به درگاه خداوند خیلی آبرو دارند .

شب عاشورا بود و امام حسین علیه السلام اصحاب را جمع کرده است و دارد می فرماید هرکس با من در این سرزمین بماند فردای عاشورا به شهادت خواهد رسید . در عقب این جمعیت این نوجوان سیزده ساله امام مجتبی علیه السلام هم خوشحال هست و هم ناراحت . خوشحال است که عمویش به همه بشارت شهادت را می دهد و ناراحت از این که شاید به خاطر سن پایین از این قاعده مستثنی باشم . نتوانست تحمل کند . گفت : « عمو جان این شهادتی که شما فرمودید در این فردا نصیب من هم می شود . » امام حسین علیه السلام می توانستند بگویند بله . ولی اگر می گفتند بله ، کسی نمی فهمید در این عالم ، قاسم بن الحسن خوشحال می شد از این حرف یا ناراحت شد . برای اینکه به همه عالم بفرماید قاسم کیست . فرمود : « یادگار برادرم ، شهادت در نظر تو چگونه است ؟ درپاسخ عرض کرد : « عمو جان احلا مِنَ العسل ، به خدا قسم ، این شهادتی که فرمودید از عسل برای من شیرین تر است . » اینجا بود که آقا ابی عبدالله تأیید کردند و فرمودند : « بله پسر برادرم فردا تو نیز در این سرزمین به شهادت خواهی رسید . گذشت تا این که روز عاشورا شد اصحاب یکی پس از دیگری إذن میدان گرفتند به شهادت رسیدند . نوبت بنی هاشم شد . از علی اکبر تا دیگران یکی پس از دیگری همه رفتند دیگر کسی باقی نمانده بود .

هر از چند گاهی حضرت قاسم ، خودش را به امام حسین علیه السلام نشان می داد بلکه او به یادش بیفتد و اجازه میدان بدهد . حضرت اعتنایی نکردند . دیگر نتوانست تحمل بکند رفت جلو صدا زد : « عمو جان آیا نوبت من فرا نرسیده است ؟ » سید بن طاووس در لحوف نوشته است : امام حسین علیه السلام بهانه ای کرد . دلش نمی آمد این نوجوان میان این گرگ ها بیفتد . فرمود : تو یادگار برادر من هستی من خجالت می کشم از برادرم ، بچه یتیمش که امانت بوده است پیش من ، او را مقابل این نامردها بفرستم . تمام غصه این عالم جلوی چشم این بچه آمد . با چشمی گریان وارد خیمه شد . زانوانش را بغل کرد یک مرتبه در بین گریه هایش دستش به بازوی خودش خورد . یک بازو بندی بود که امام حسن مجتبی علیه السلام در کودکی به دست این بچه بسته بود . به او فرموده بودند که پسرم هرگاه احساس کردی تمام درها به روی تو بسته شده است . این بازو بند را باز کن گره از کار تو باز خواهد شد . بازو بند را باز کرد دید نوشته ای داخل آن است . آن را برداشت کاغذی بود که با دست خط مبارک نوشته است : قاسم ، پسرم ، روز عاشورا که فرا می رسد و ندای هل من ناصرٍ یَنصُرُنی حسین را می شنوی ، مبادا در دادن جان بر عمویت دریغ کنی . مثل این که خداوند ، عالم را به این پسر داده بود خوشحال شد و نوشته را برداشت آمد خدمت اَبا عبدالله الحسین علیه السلام نوشته را نشان داد . امام حسین علیه السلام تا چشممش به دست خط برادر افتاد ، شروع به گریه کرد صدا زد یادگار برادرم ، تو دست خط ، از پدر آوردی و مرا قانع کردی ، اما بگو ببینم مادرت راضی هست یا نه ؟ با این کار آقا خواستند بهانه دیگری درست کنند . یک وقت دیدند خانمی که مادر قاسم بود سر از خیمه بیرون آورد و صدا زد پسرم ، شیرم را حلالت نمی کنم اگر جانت را فدای حسین نکنی ، تمام عذرها و بهانه ها از دست ابی عبدالله گرفته شد . ارباب مقاتل نوشته اند این دو نفر همدیگر را بغل کردند . آن قدر گریه کردند ، فَغُشِیَّ عَلَیهِما ، به حال غش بر روی زمین افتادند . سپس آقا ابی عبدالله ، قاسم را آماده میدان می کند . دشمن دارد تعریف می کند : می گوید ایستاده بودیم یک مرتبه دیدیم نوجوان سیزده ساله ای مانند پایه ماه ، صورتش می درخشید این قدر ، این بچه بود که کلاه خود را گذاشت روی سرش ، زره بر اندامش بلند ، چکمه ها به پاهایش بلند بود همه مات و متحیر ، این بچه کیست که به میدان آمده است . یک مرتبه دیدیم از روی اسب صدا زد : إن تَنکُرُونی فأنَا بنُ الحسن ، هر کسی مرا نمی شناسد بداند من پسر امام حسن مجتبی علیه السلام هستم . به میدان رفت عده ای از دشمن را به هلاکت رساند اما یک مرتبه از وسط میدان صدا زد عمو منم رفتم خداحافظ . قبل از شروعِ رَجَز مشکلی نبود . همین که گفت من زاده ی حسنم بیشتر زدند . چه کینه ای از اهل بیت در دل اینها بود کینه اینها بدر و حنین بود . همان کینه هایی که از جنگ بدر و حنین داشتند . گفتم علیُ ، بر بدنم بیشتر زدند . ابی عبدالله احساس کردند دشمن می خواهد سر از بدن قاسم جدا کند آمدند جلو و دشمن را تار و مار کرد یک مرتبه شنید عمو جان دیگر جنگ نکن . چرا ؟ برای این که بدنم زیر سمِّ اسبهاست .

صَلوات الله و سَلامُهُ علیك یا رسول الله و عَلی اَهلِ بَیتِك المَظلومین .

ص: ۱۱

دعا

Your browser does not support the audio tag.

خدایا به مقامشان ما را ببخش و بیامرز .

تعجیل در فرج امام زمان بفرما .

از بقیه غیبت آقا صرف نظر بفرما .

توسلمان به امضای حضرتش برسان .

دعاهایی که نکرده و می شود به هدف اجابت برسان .

بجاه محمد و آله الاطهار



پایان

ص: ۱۲

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵
دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱
بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹
امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹